**جلسه 001**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی‌الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لاسیما بقیةالله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین.

ایام سوگواری و حزن اباعبدالله را خدمت حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه و فاطمه‌ی معصومه علیها السلام و همه‌ی شیعیان و موالیان آن بزرگواران تعزیت و تسلیت عرض می‌کنیم. و امیدواریم که خدای متعال همه‌ی ما را جزء شیعیان و موالیان و سوگواران و مقتدیان آن بزرگواران قرار دهد و از کسانی قرار دهد که قدم صدق با سیدالشهداء و اولاد و اصحاب گرامش علیهم‌السلام داشته باشیم و دست ما در دنیا و آخرت از دامان پرمهر و محبت‌شان محروم نماند ان‌شاءالله!

ثلمه‌ی رحلت عالم اخلاقی متعهد مرحوم آیت‌الله ناصری رضوان‌الله علیه، ضایعه‌ی دردناکی است که خالی شدن جامعه‌ها از آن بزرگوارانی که این چنین در اخلاق پخته شده‌‌اند و نماد اخلاق هستند و وجود آن‌‌ها، سلوک آن‌ها، رفت‌وآمد آن‌ها، کلام ‌آن‌ها راهنما هست برای انسان‌ها جداً فقدان آن‌‌ها موجب خسران است اگر چه آن‌‌ها به ارتحال از این عالم ان‌شاءالله به لقاء الله واصل بشوند.

برای شادی روح آن بزرگوار و ابراز ارادت و احترام به آن بزرگوار صلوات و یک سوره‌ی مبارکه‌ی حمد را تقدیم می‌کنیم.....

قبل از شروع در بحث با اجازه‌ی شما سروران توجه خودم و شما عزیزان را به مفاد آیه‌ی 29 سوره‌ی مبارکه‌ی فتح جلب می‌کنم. در این آیه‌ی مبارکه‌ خدای متعال وقتی می‌خواهد کسانی که گروندگان به پیامبر عظیم‌الشأن هستند آن‌ها را برای امم سالفه و سابقه وصف بفرماید به دو خصوصیت در تورات و انجیل، آن‌ها را توصیف می‌فرماید. در تورات نماد بندگی و خشوع و خضوع و عبادت را از خصوصیات گروندگان به پیامبر عظیم‌الشأن و در انجیل نماد تحول‌گرایی، فعالیت، روبه‌رشد بودن را به عنوان وصف و بالندگی این‌ها را به عنوان نماد معرّف کسانی که به پیامبر عظیم‌الشأن روی آورده‌اند بیان می‌فرماید. «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ تَراهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ رِضْواناً سيماهُمْ في‏ وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْراةِ» در تورات وقتی خدای متعال این امت را می‌خواهد توصیف بفرماید این خصوصیات را برای آن‌ها ذکر می‌کند که «تَراهُمْ رُكَّعاً سُجَّداً» در حال رکوع هستند، در حال سجده هستند. ؟؟؟ خدای متعال و رضوان خدای متعال هستند و این‌ها اثر سجود در سیمای‌شان هویداست. پس معلوم می‌شود این یکی از خواسته‌‌های خدای متعال از جامعه‌ی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی نماد آن‌‌ها در انجیل «وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوى‏ عَلى‏ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ» مثل آن‌ها مانند کشت‌هایی است که جوانه‌های خودش را بیرون آورده است، فعال است، جوانه زده است «فَآزَرَهُ» این جوانه‌‌ها را رشد داده است «فَاسْتَغْلَظَ» و این رشد را ادامه داده تا جایی که قوام گرفته و برپای خودش می‌تواند بایستد «فَاسْتَوى‏ عَلى‏ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ» کسانی که نگاه می‌کنند به این کشت، همه‌ی آن‌ها شگفت‌انگیز می‌شوند، تعجب می‌کنند، این دانه چگونه به این مرحله رسید؟ خدای متعال در انجیل این امت را این‌چنین وصفت می‌کند، این‌ها این‌جور آدم‌هایی هستند. ؟؟؟ به تمام این دو نماد و جایی که باید این دو نماد در او بنحو اتمّ ظهور و بروز داشته باشد حوزه‌های علمیه است. باید جهانیان در سیمای طلاب و فضلاء و علمای حوزه‌های علمیه همین را ببینند که فرمود «سيماهُمْ في‏ وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُود» باید در آن‌ها، در زندگی آن‌ها خشوع و خضوع و رکوع و سجده ببینند، این‌ها دلدادگی برای مردم ایجاد می‌کند، این‌ها مردم را به طرف معنویت و خداپرستی و مهاجرت از هوای نفسانی ایجاد می‌کند و بعد آن‌‌چه در انجیل آمده است؛ بالنده هستند. حوزه‌های علمیه بالنده هستند همانند یک دانه‌ای که کاشته می‌شود این دانه در اثر فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد و میوه می‌دهد جوانه می‌زند، این جوانه رشد می‌کند و این رشد را ادامه می‌دهد تا آن‌جایی که «فَاسْتَوى‏ عَلى‏ سُوقِه‏» که همگان که نگاه می‌کنند برای آن‌ها تعجب‌آور است، شگفت‌آور است که چگونه این‌ها ترقی کردند؟ تکامل پیدا کردند. بنابراین خدای متعال از همه‌ی جامعه‌ی پیروان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم این مسأله را خواستار هست، فلذا این‌جوری آن‌ها را تعریف کرده، نمادی برای آن‌ها قرار داده. حوزه‌های علمیه که کسانی هستند که نزدیک‌ترین امت باید بگوییم به پیامبر عظیم‌الشأن و اولیاء بزرگوارش لاسیما حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فداه در این زمان هستند. باید حوزه‌‌ها بالنده باشند، متوقف نباشند. روزبه‌روز سال به سال در جوانب مختلف باید رشد کند، تعالی کند، بالنده باشد و این تعالی و بالندگی و رشد لازم است. اگر ما آن لوازم را مراعات نکنیم به آن توجه نکنیم قهراً آن نتایج مورد انتظار تحقق پیدا نخواهد کرد.

اگر از طرف شورای عالی بعد از مدت‌ها مشورت و تأمل برنامه‌ای ارائه شده به حوزه‌های علمیه، خدا را شاهد می‌گیریم، حضرت بقیةالله ارواحنا فداه را شاهد می‌گیریم که جز فعالین حوزه‌‌ها ؟؟؟ نبوده است. برای این است که این بالندگی در زمینه‌‌های مختلف که از وظایف حوزه‌های علمیه هست آن‌ها ان‌شاءالله ظهور و بروز پیدا کند و فراغ‌هایی پیدا بشود، مجال‌هایی پیدا بشود برای این‌که مسائل مهم دیگری که مورد نیاز جامعه‌ی بشری است و مورد انتظار هست از جوامع حوزوی، حوزه ان‌شاءالله بتواند با همان اشتیاق قویم و متین ان‌شاءالله همان فقه جواهری، فقه شیخ اعظم رضوان‌الله علیهما بتواند پاسخگوی آن‌ها باشد. من حالا دیگر بیش از این بنا ندارم در این زمینه‌ها عرضی داشته باشم. امیدوارم که استدلال‌های منطقیِ درستی که پشتوانه‌ی بخشی از این تحولات هست مورد توجه همه‌ی بزرگواران ان‌شاءالله قرار بگیرد و همگان دست بهم بدهند و ان‌شاءالله این راه هموار بشود برای این‌که تعالی و ترقی حوزه‌های علمیه که مورد انتظار حضرت بقیةالله ارواحنا فداه هست، خدای متعال از ما خواسته است ان‌شاءالله بتواند به منصه‌ی ظهور برسد. اگر می‌بینید که بخش‌‌هایی از کتاب شریف مکاسب برای مطالعه قرار داده شده، با دقت‌هایی که در آن شده با سنجش‌هایی که شده خب تمام مکاسب اگر بخواهد خوانده بشود که خوانده نمی‌شود در این سال‌های متمادی این نصاب‌ها خوانده نمی‌شود. حالا آمدند بررسی کردند و آن مواردی که لازم است خواندن آن‌ها؛ چون علم‌افزایی دارد، قوت می‌دهد، طلابی که، فضلایی که آن‌ها را می‌خوانند قوی می‌شوند، برای استنباط آمادگی پیدا می‌کنند، گفتند این در این موارد الزامی است. موارد دیگر اختیاری است. اگر خواستند نور علی نور؛ آن‌ها را هم می‌توانند بخوانند. اما اگر خواستند اوقات‌شان را صرف جاهای دیگر بکنند، مطالب دیگری بکنند، برای آن‌ها این فراغ باز باشد، هیچ الزامی نیست تخییر است. منتها برای کسانی که می‌خواهند این راه را تخییر کنند، راهنمایی شده که یک مواردی را الزام است بخوانید از مکاسب شیخ اعظم و فراغی حاصل بشود برای این‌که مباحث دیگری هم که لازم هست ان شاءالله در کتب دراسی حوزه مجال پیدا کند. در درس‌های خارج، در درس‌های سطح، این‌ها هم مورد گفتگو و پژوهش و این‌ها قرار بگیرد که ان شاءالله رو به ترقی برود. تمام آن مسائلی که از دیرزمان فقهای بزرگ اعلی‌الله مقامهم ترک کردند، کم‌کم مورد بحث قرار گرفته، درس قرار گرفته، تا به امروز الحمدلله ما یک تراث قوی‌ای داریم. برای خاطر این است که این مسائل مطرح شده، مورد کلام واقع شده، مورد بحث واقع شده، خب مطالبی که الان امروز ناپیدا هست این‌ها تا توی کتب دراسی واقع، نشود، مورد تعمق واقع نشود، جوانب او؛ همان‌طور مبهم و گنگ باقی می‌ماند. چه خوب است که این‌ها هم مورد کلام واقع بشود و وقتی ما مقایسه می‌کنیم بعضی ابحاث را که مثلاً در مکاسب شیخ اعظم رضوان‌الله علیه، شیخ اعظم خیلی بزرگ است! شیخ اعظم نقطه عطف در تاریخ فقاهت است، روشن است. اما آن بزرگوار خودش راه را هموار کرده برای این‌که ما جلو برویم. خب مباحثی که آن بزرگوار مطرح فرموده‌ است، در مکاسب محرمه یا در بیع یا در خیارات قسمت‌هایی از این مباحث بعد از این‌که آن مباحث اصلی خوانده شد آن مباحث فرعی قابل فهم است برای فضلا و با مباحثه و مطالعه می‌توانند آن‌ها را دریافت کنند و آن فراغ حاصل بشود برای این‌که مسائل جدید، مسائل دیگر را هم به آن بپردازند. من عرض کردم مثلاً مسئله فرض کنید حالا بیع بعضی از نجاسات که حالا... حالا این را مثلاً حتماً باید بخوانیم یا می‌آییم مسائل بانک را، مسائل شرکت‌ها را، مسائل بیمه اجتماعی و مسائل دیگر که این‌قدر پیچیدگی دارد و این‌ها هنوز روشن نشده ابعاد این‌ها و حکم خدا در این‌ها چی هست؛ این لازم‌تر است؟ البته آن هم حکم خدا است، محترم است، ما جان‌مان را فدایش می‌کنیم. چون او خدای متعال است. اما صحبت در این است که در باب تزاحم و این‌که وقت تنگ است. ده سال بیشتر قرار نیست دوران سطح باشد. بزرگان و علما می‌گویند بیشتر نباشد. خب در این مدت محدود چه بکنیم؟ آیا راهی جز این هست که بخش‌هایی که در مقام مقایسه اهمیت‌شان کمتر هست آن‌ها برای مطالعه قرار داده بشود. و اگر عزیزی قدرت دارد، می‌تواند آن‌ها را هم بخواند تشویق می‌شود و مشوق برای او هم قرار داده می‌شود. بنابراین هم آن را بخواند هم این‌ها را بخواند. مسئله‌ای نیست. اگر کتابی جایگزین یعنی بدل کتابی دیگری قرار داده شده است باز به خاطر این است که فاصله آن‌چه در کتب دراسی سابق با آن‌چه که علم اصول جلو رفته است وجود دارد یک فراغ بالایی است. خب همان‌طور که معالم تبدیل به قوانین، قوانین تبدیل شد به اصول، اصول تبدیل شد به کتب بعد، در اثر همین که علم جلو رفته بود، بزرگان دیدند. حالا هم بعد از این‌که 150 سال از بعضی از کتاب‌ها گذشته است آیا اشکال دارد اگر مطالب جلو رفت؟ آقای نائینی آدم کمی است؟ آقای آقاضیاء آدم کمی است؟ آقای اصفهانی آدم کمی است؟ آقای خوئی آدم کمی است؟ حضرت امام آدم کمی است؟ این بزرگانی که در این صحنه‌های علمی مطلب آوردند. آیا این‌ها هم اگر در کتب دراسی ما مطالب این بزرگواران بیاید، مطالبی که همه دیگه فهمیدند که آن‌ها ضعیف است کنار گذاشته بشود، در مقام تعلیم و تعلم؛ این‌ها تعلیم داده بشود آیا قوای علمی حوزه کاهش پیدا می‌کند یا بالنده می‌شود؟ آیا فقاهت ضربه می‌بیند یا فقاهت نزج پیدا می‌کند؟ مؤید می‌شود؟ خب این‌طور است دیگه، پس بنابراین توقع این هست که فضلای بزرگ، علمای بزرگوار، طلاب محترم یک مقداری با تأمل بیشتر مسائل را بررسی بفرمایند. معلوم است که همه افرادی که چه موافق هستند چه مخالف هستند؛ همه این‌ها در حُسن فاعلی آن‌ها شک نیست. ولی همه دلسوز هستند. این روشن است. یعنی کسی عناد ندارد معاذالله، همه از روی دلسوزی است اما صور؟؟ یک مقدار بیشتر می‌کند. ؟؟ اگر راه دیگری سراغ دارید برای این تعالی، برای رسیدن به آن نتایج، ارائه بفرمایید. ما که تعصبی نسبت به امر خاصی نداریم. ارائه بفرمایند. این‌ها بحث می‌شود و ممکن است مورد برنامه حوزه قرار بگیرد. خب این مقداری بود که لازم بود عرض کنم. عرض دیگری که دارم این هست که ان شاءالله بزرگوارانی که در درس‌های مختلف حوزه مبارکه شرکت می‌کنند من‌جمله در این محفل تشریف‌فرمایی دارند. آن سنت‌های حوزه که باعث بالندگی بوده، باعث ترقی حوزه‌های علمیه بوده، و هر جا در هر نهاد دراسی و پژوهشی این سنت تا وارد بشود آن‌جا را بالنده خواهد کرد. مسئله پیش‌مطالعه، مسئله مباحثه، مسئله تقریرنویسی، این‌ها حتماً باید عزیزان به آن التزام داشته باشند. مسئله تفکر، یعنی روی مسائل واقعاً تفکر بشود، اندیشه بشود، مقید باشد که تعلیقه بزند. این‌ها باعث می‌شود که هم قوای اجتهادی به‌زودی ان شاءالله جوانه‌هایش زده بشود و همان‌جور که در آیه شریفه فرمود ان شاءالله رشد بکند، بالنده بشود، بالا برود. و همین‌که ان شاءالله ترقیات علمی برای حوزه‌ها پیدا بشود. در همه رشته‌های علوم همین‌طور است. فقه، اصول، تفسیر، علوم عقلی، حتی علوم دیگری که در دانشگاه‌ها هست. اگر این نظام تدریس و تدرس که حالا ما در این؟؟در مطالعه و پیش‌مطالعه و مباحثه و نوشتن و تقریرنوشتن اگر این‌ها در آن‌جاها هم برود آن‌جاها هم خیلی رشد می‌کند. این یک امری است که تجربه شده این‌ها و ضامن ترقی حوزه‌های علمیه است. ان شاءالله بر این امر آقایان اهتمام داشته باشند و مسئله سومی که عرض می‌کنم این هست که خب دوستانی که مشرف می‌شویم خدمت‌شان؛ خب بعضی‌ها سوابق ممتدی دارند در درس‌ها و این‌ها؛ ولی دوستانی هستند که خب ممکن است سال اول‌شان باشد درس خارج تشریف می‌آورند عرض می‌کنم که در ابتدای کار چند کتاب حتماً باید مورد مطالعه واقع بشود. مکاسب شیخ اعظم هست و تنقیح محقق خوئی یا محاضرات یا مصباح الفقاهه که ما محور بحث‌مان را تنقیح قرار دادیم. چون تنقیح با بررسی که من کردم از مصباح الفقاهه شاید أولی باشد و مسائلی که مطرح کردیم، مطالب بعدی را هم تا حدود زیادی آورده‌ است. بنابراین به‌روزتر هست. مطالب شیخ را همه را آورده‌اند، مورد بررسی قرار دادند. مطالب ؟؟‌را تا حدودی آورده‌اند و ارشاد الطالب مرحوم آقای تبریزی برای این آقایان کتاب خوبی است. چون زود به آن‌ها مفاهیم را منتقل می‌کند و بیع حضرت امام قدس سره. و حاشیه مرحوم سید رضوان‌الله علیه. در ابتدای کار همین‌مقدار برای این برادران کفایت می‌کند. ان شاءالله همین‌طور که دو ماهی مثلاً گذشت از برنامه‌های درسی؛ بعد می‌توانند حواشی مهم دیگری را مثل حاشیه مرحوم ایروانی، مرحوم اصفهانی، این‌ها را هم در مدار ان شاءالله مطالعه و بررسی و مباحثات خودشان قرار بدهند.

و اما من فقط عنوان بحث را عرض می‌کنم که حالا روشن بشود. عرض می‌کنم شیخ اعظم قدس سره بعد از بحث از فضولی که سه قسم بود و سه قسم آن مورد بحث واقع شد. فضولی که برای مالک می‌فروشد و معامله می‌کند بدون این‌که مالک منع کرده باشد از قبلاً. دو: جایی که باز فضولی برای مالک می‌فروشد و لکن مسبوق به منع مالک است. سوم: جایی که فضولی معامله می‌کند برای خودش. این سه مسئله بود که مورد بحث قرار گرفت تفصیلاً و پایان گرفت.

بعد از این سه مسئله مرحوم شیخ اعظم دو مسئله مهم را طرح می‌کنند که تکمیل می‌کند بحث فضولی را. مسئله أولی این هست که آیا همان‌طور که فضولی در باب اعیان خارجیه قابل تصویر است و این سه فرض گذشته راجع به آن‌ها بود و بحث شد، آیا در کلی فی‌الذمه هم قابل تصویر هست یا نه؟ و آیا اگر فضولی آن چیزی را که می‌فروشد و آن چیزی را که می‌خرد اگر کلی فی‌الذمه قرار داد آیا در این‌جا هم حکمش مانند آن‌جا است؟ یا نه، با آن‌جا تفاوت پیدا می‌کند؟ این اصل مسئله که خب این دارای صوری است، انقساماتی است که امروز حالا متأسفانه نمی‌توانیم واردش بشویم. مسئله دوم این است که آیا در باب معاطات ؟؟‌باز مسئله فضولی قابل تصویر است یا نه؟ آن هم مسئله دوم است که من ؟؟ بنابراین المسئلة الأولی این است که آیا این مسئله فضولی صحةً و بطلاناً در مواردی که فضول کلی فی‌الذمه را مورد معامله قرار می‌دهد. إما بیعاً أو شراءاً، آیا در این‌جا جاری هست یا جاری نیست؟ ان شاءالله ابحاث آن برای، از جلسه بعد ان شاءالله می‌رویم وارد این ابحاث می‌شویم.

پایان